



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.



uvjf

بغی بمعنای شورش بر امام و حاکم مشروع اسلامی می‌باشد.
بغی در لغت به معنای **طلب**، **ظلم**، **فساد**، **حسد**، **زنا**، **کبر** و **تجاوز** از **حق** و **حد** آمده است.

[۱] مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۲۲۷، «بغی».

[۲] لسان‌العرب، ج ۱، ص ۷۶.

[۳] لسان‌العرب، ج ۱، ص ۷۹.

[۴] تاج‌العروس، ج ۱، ص ۳۸.

[۵] تاج‌العروس، ج ۱، ص ۴۰، «بغا».

[۶] مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۲۲۵.

ابن‌فارس طلب کردن و فساد را معانی اصلی این ماده دانسته

[۷] مقاییس‌اللغه، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۲، «بغی».

؛ اما برخی معنای اصلی آن را طلب شدید و فهم معانی دیگر را نیازمند **قرینه** دانسته‌اند.

[۸] التحقيق، ج ۱، ص ۳۱۱، «بغی».

[۹] التحقيق، ج ۱، ص ۳۰۹.

شماری از **لغویین** با توجه به آیاتی که بغی در آن مقید به «غیر حق» شده

[۱۰] یونس/سوره ۱۰، آیه ۲۳.

[۱۱] شوری/سوره ۴۲، آیه ۴۲.

بغی را بر دو گونه دانسته‌اند: بغی پسندیده و جایز که حرکت از **عدالت** به سوی **احسان** و از **واجب** به سمت **مستحب** است و بغی ناپسند که تجاوز از حق به سوی **باطل** و **شیبهات** است، هرچند کاربرد آن در تجاوزهای ناپسند شایع‌تر است.

[۱۲] مفردات، ص ۵۵، «بغی».

[۱۳] تاج‌العروس، ج ۱، ص ۳۹، «بغا».

در **اصطلاح فقه** آرای متفاوتی میان فقیهان مطرح است؛ عموم فقهای **اهل سنت** بغی را خروج گروهی از **مسلمانان** دارای **قیرت** و **شوکت** بر ضد حاکم عادل یا غیر عادل اسلامی یا ندانن **حق** و **واجب** همچون **زکات** به او دانسته‌اند که این خروج و مخالفت از نظر باغی غالباً بر اسس **اجتهاد** و **تأویل** صحیح بوده است.

[۱۴] الفقه‌الاسلامی، ج ۷، ص ۵۴۷۸-۵۴۷۹.

[۱۵] الفقه علی‌المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۱۸.

[۱۶] التشریح الجنایی الاسلامی، ج ۲، ص ۶۷۳.

در اصطلاح فقه **املمیه** بغی عبارت است از خروج بر ضد امام یا حاکم مشروع

[۱۷] مجمع‌الفایده، ج ۷، ص ۵۲۴.

[۱۸] مصطلحات‌الفقه، ص ۱۰۱.

[۱۹] الروضة‌البهیة، ج ۲، ص ۶۵.

، اعم از خروج و تعدی گروهی یا فردی.

[۲۰] ولایة‌الفقیه، ج ۳، ص ۲۸۰-۲۸۱.

[۲۱] مصطلحات‌الفقه، ص ۱۰۱.

برخی فقیهان دیگر **املمیه** دایره بغی را گسترده‌تر دانسته و خروج حکومتی اسلامی بر ضد حکومت اسلامی دیگر یا تعدی حکومت اسلامی جور بر ضد امت اسلامی یا خروج و **جنگ** گروهی از مسلمانان با مسلمانان دیگر را نیز مصداقی از بغی شمرده‌اند.

[۲۲] ولایة‌الفقیه، ج ۳، ص ۲۸۰-۲۸۱.

[۲۳] الفقه، ج ۴۸، ص ۱۳۱.

[۲۴] جهاد در اسلام، ص ۱۱۶-۱۱۷.

به آن که در برابر **امم** و حکومت اسلامی یا مسلمانان **قیام** کنند «بُغَاة»، (باغیان) یا «اهل بغی» می‌گویند.

[۲۵] مصطلحات الفقه، ص ۱۰۱-۱۰۲.

[۲۶] جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۲-۳۲۳.

وجه این نامگذاری آن است که اینان با **طغیان** کردن در برابر حاکم اسلامی از حد تجاوز کرده، یا مرتکب ظلم می‌شوند.

[۲۷] تنکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۵۲.

[۲۸] تنکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۳۹۱.

[۲۹] فتح الوهلب، ج ۲، ص ۲۶۵.

«محرابه» نیز به معنای در دست گرفتن **سلاح**

[۳۰] الخلف، ج ۵، ص ۴۵۷.

[۳۱] مصطلحات الفقه، ص ۴۷۵.

برای ترساندن مسلمانان و پیکار با آنان است

[۳۲] الروضة البهیة، ج ۹، ص ۲۹۰.

و تفاوت آن با بغی آن است که محاربه بیشتر با هدف ایجاد **رعب** و شرارت و **جلب** منافع مادی انجام می‌گیرد، برخلاف بغی که با هدف براندازی حکومت انجام می‌گیرد؛ همچنین محاربه گاه به صورت فردی و گاه گروهی صورت می‌گیرد؛ ولی بغی غالباً شورشی دسته جمعی است. محاربه گاه از سوی **مسلمان** و گاه از سوی کافر روی می‌دهد؛ ولی بغی همواره از سوی مسلمان انجام می‌گیرد. محاربه از **جر انمی** است که دارای حد و مجازاتی معین است؛ اما بغی خارج از حدود و دارای کیفرهای متفاوت است.

[۳۳] فقه سیاسی اسلام، ص ۲۰۹-۲۱۰.

[۳۴] الفقه الاسلامی، ج ۷، ص ۵۴۷۹.

محارب به جهت **عصیان** و **فسق** به محاربه اقدام می‌کند؛ اما باغی بر اسلح **اجتهاد** (صحیح)

[۳۵] الفقه الاسلامی، ج ۷، ص ۵۴۷۹.

یا **باطل**

[۳۶] کنز العرفان، ج ۱، ص ۵۶۰.

[۳۷] ریاض المسائل، ج ۷، ص ۴۵۸.

به بغی اقدام کرده، عمل خود را مشروع می‌پندارد.

واژه «بغی» و **مشقت** آن ۹۶ بار در **قرآن** آمده و در بیشتر موارد در معانی لغوی آن به کار رفته و تنها در چند آیه معنای اصطلاحی آن مراد است؛ از جمله آیه **۹ حجرات**

[۳۸] حجرات/سوره ۴۹، آیه ۹.

:«فَمَنْ بَغَىٰ لِأَخِيهِ مِنْهُمَا عَلَىٰ الْأَخْرَىٰ قَاتِلُوا الَّذِينَ بَغَىٰ» و نیز آیه «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ»

[۳۹] بقره/سوره ۲، آیه ۱۷۳.

[۴۰] انعام/سوره ۶، آیه ۱۴۵.

[۴۱] نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۱۵.

که طبق برخی **روایات** مراد از باغی در آیه فوق خروج کننده بر حاکم اسلامی است.

[۴۲] مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۷۶.

[۴۳] نورالتقلین، ج ۱، ص ۱۵۵.

ظاهر آیه و واژه به معنای اصطلاحی آن نخستین بار در **حدیثی** از **پیامبر اکرم** (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به کار رفته که آن حضرت در آن قاتلان **عمار** را گروه باغی نامیدند. «یا عمار تقتلک الفتنه‌الباغیة».

[۴۴] مسند احمد، ج ۲، ص ۲۰۶.

[۴۵] صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۰۷.

[۴۶] الکافی، ج ۵، ص ۱۱.

در احادیث دیگر به ویژه سخنان **امیر مؤمنان**، علی (علیه‌السلام) نیز بسیار به کار رفته است.

[۴۷] نهج البلاغه، خطبه ۹۷.

[۴۸] نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

احکام اهل بغی:

در آیه ۹ حجرات

[۴۹] حجرات/سوره ۴۹، آیه ۹.

از طغیان گروهی از مسلمانان بر ضد مسلمانان دیگر و یکی از مصادیق مهم بغی سخن به میان آمده است: «و ان طَائِفَتَيْنِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اَفْتَنَلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا». به روایتی این آیه درباره نزاع و درگیری دو **طایفه اوس** و **خزرج** نازل شد.

[۵۰] جامع البیان، مج ۱۳، ج ۲۶، ص ۱۶۵-۱۶۶.

[۵۱] کشف الاسرار، ج ۹، ص ۲۵۱.

[۵۲] مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۳.

روایتی دیگر **شأن نزول** آیه فوق را نزاع زن و شوهری دانسته که هر یک قبیله خود را برای پشتیبانی از خویش فرا خواند.

[۵۳] احکام القرآن، ابن‌العربی، ج ۳، ص ۵۷۰.

[۵۴] تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۱۶.

[۵۵] جامع البیان، مج ۱۳، ج ۲۶، ص ۱۶۶.

برخی گفته‌اند که آیه مذکور درباره نزاع **عبد الله بن ابی منافق** با عبد الله بن رواح نازل شد که درباره مسئله‌ای مربوط به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با یکدیگر به مقابله و **نزاع** پرداخته، هر یک قبیله خود را به یاری طلبیدند

[۵۶] مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۲۰.

[۵۷] جامع البیان، مج ۱۳، ج ۲۶، ص ۱۶۷.

، با این همه غالب مفسران و فقهای شیعه

[۵۸] مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۶۲.

[۵۹] جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۳.

[۶۰] روض الجنان، ج ۱۸، ص ۲۴.

و اهل سنت

[۶۱] تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۱۷.

[۶۲] الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۱۷.

[۶۳] الفقه الاسلامی، ج ۷، ص ۵۴۸۰.

[۴۴] احکام القرآن، ابن‌العربی، ج ۴، ص ۱۷۱۸.

آیه مذکور را مستند احکام فقهی باغیان و بیانگر وظیفه مسلمانان در برابر آنان دانسته‌اند، چنان‌که روایت **اهل بیت** (علیهم‌السلام) نیز به این مطلب پرداخته است؛ از جمله در روایتی آمده است: هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر فرمود: کسانی هستند که پس از من بر اسلح تأویل خواهند جنگید، همان‌گونه که من بر اسلح تنزیل جنگیدم و **علی** (علیه‌السلام) از این افراد است.

[۴۵] الکافی، ج ۵، ص ۱۱-۱۲.

[۴۶] تهذیب، ج ۴، ص ۱۱۶.

[۴۷] نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۴.

در روایتی دیگر **امام‌صادق** (علیه‌السلام) جنگ علی (علیه‌السلام) با مردم بصره را تأویل و مصداق آیه فوق برشمرده

[۴۸] نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۵.

[۴۹] مستدرک‌کالو سائل، ج ۱۱، ص ۶۷.

[۷۰] الکافی، ج ۸، ص ۱۸۰.

؛ اما برخی از فقیهان و مفسران شیعه

[۷۱] فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۶۳.

[۷۲] نمونه، ج ۲۲، ص ۱۶۹.

[۷۳] نمونه، ج ۲۲، ص ۱۷۲.

[۷۴] کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۸۶.

با این استدلال که آیه فوق باغی را مؤمن شمرده، در حالی که به عقیده شیعه باغی کافر است این آیه را بی‌ارتباط با اهل بغی دانسته و در این مورد آیت دیگری مانند ۴۱ و ۷۴ **توبه**

[۷۵] توبه/سوره، آیه ۹، ص ۴۱.

[۷۶] توبه/سوره، آیه ۹، ص ۷۴.

را مربوط به بغی و برخورد با باغیان دانسته‌اند (همین‌مقاله «جنگ با اهل بغی»؛ لیکن هرچند از عموم این **آیت** می‌توان به گونه‌ای برخی احکام بغی و وظایف مؤمنان در برابر باغیان را استفاده کرد؛ ولی آیه ۹ حجرات

[۷۷] حجرات/سوره، آیه ۹، ص ۹۹.

ارتباط وثیق‌تری با موضوع بغی دارد که افزون بر استناد فقیهان **شیعه** و اهل سنت به آیه مذکور در این موضوع

[۷۸] ریاض المسائل، ج ۷، ص ۴۵۶.

[۷۹] الام، ج ۴، ص ۲۲۶.

[۸۰] جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۳.

[۸۱] جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۵.

در روایت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نیز ارتباط آن با بغی مورد تأیید قرار گرفته است.

[۸۲] الکافی، ج ۵، ص ۱۱-۱۲.

[۸۳] تهذیب، ج ۴، ص ۱۱۶.

[۸۴] نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۵-۸۶.

افزون بر آیت قرآن، روایت متعددی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

[۸۵] السنن الکبری، ج ۸، ص ۱۶۹.

[۸۶] بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۴۲۹.

[۸۷] مسند احمد، ج ۴، ص ۳۴۸.

و **اهل بیت** (علیهم‌السلام)

[۸۸] وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۷۳-۸۳.

[۸۹] جامع احادیث‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۰.

[۹۰] جامع احادیث‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۶۰.

[۹۱] دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۸۸.

در مورد باغیان و چگونگی برخورد مسلمانان با این گروه وارد شده است؛ همچنین **سیره امیر مؤمنان** علی (علیه‌السلام) در برخورد با **ناکثین** (**اصحاب جمل**)، مارقین (خوارج) و قاسطین (اهل شام)

[۹۲] البدایة و النهایه، ج ۷، ص ۳۳۸-۳۳۹.

[۹۳] کنز العرفان، ج ۱، ص ۵۶۱.

که از معروف‌ترین گروه‌های شورشگر در تاریخ حکومت‌های اسلامی بودند نیز مستند دیگری است که وظیفه مسلمانان را در برخورد با اهل بغی روشن می‌کند، چنان‌که شافعی پیشوای یکی از **مذاهب** اهل سنت در برخی از **احکام** باغیان تنها **سیره علی** (علیه‌السلام) را مستند این احکام دانسته است.

[۹۴] ریاض المسائل، ج ۷، ص ۴۵۸.

[۹۵] کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۸۶.

برخی احکام باغیان عبارت است از:

۱. کفر و اسلام باغیان:

با توجه به تعریف فقهی اسلامی از بغی، باغیان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: الف. باغیانی که بر ضد **امام** معصوم خروج می‌کنند. ب. باغیانی که با غیر امام معصوم می‌جنگند.

[۹۶] بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۲۴-۳۲۵.

[۹۷] منهاج‌الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۱.

از این دو گروه، فقهی **امامیه** باغیانی را که بر امام معصوم خروج کنند خارج از اسلام و کافر شمرده‌اند.

[۹۸] مجمع‌الفائده، ج ۷، ص ۵۲۴.

[۹۹] الحدائق، ج ۳، ص ۴۲۱.

[۱۰۰] المبسوط، ج ۷، ص ۲۶۴.

آیت متعددی از قرآن نیز مؤید این **رأی** است؛ از جمله آیه ۵۴ **مانده**

[۱۰۱] **مانده** /سوره، آیه ۵۴، ص ۵۴.

که در آن از **ارتداد** و **کفر** مسلمانان و جایگزینی این افراد با **مؤمنان** راستین سخن به میان آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَتِلْءَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ». در روایتی **حضرت علی** (علیه‌السلام) باغیان اهل **بصره** را مصداق «مَن يَرْتَدُّ مِنْكُمْ» در آیه مذکور برشمرده است.

[۱۰۲] مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۴۳۹.

[۱۰۳] کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۹۰.

از **امام باقر** و **صادق** (علیهم‌السلام) نیز **روایت** شده که مراد از مؤمنان در این آیه علی (علیه‌السلام) و یاران او هستند که با **ناکثین** و **قاسطین** و مارقین جنگیدند.

[۱۰۴] بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۲.

[۱۰۵] مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۳۵۸.

در آیهای دیگر قرآن مسلمانان را به جهاد با عهد شکنان مأمور کرده و این افراد را کافر شمرده است

[۱۰۶] مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۲.

:«و ان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم و طعنوا في دينكم فقتلوا ائمة الكفر انهم لا يمين لهم لعلهم ينتهون».

[۱۰۷] توبه/سوره ۹، آیه ۱۲.

بنابر روایتی، علی (علیه‌السلام) جنگ خود با ناکثین را بر پایه این آیه دانست و هنگام نبرد با آنان فرمود که با مصادیق این آیه تکلون جنگی واقع نشده است.

[۱۰۸] الصافی، ج ۲، ص ۳۲۴-۳۲۵.

[۱۰۹] بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۴۲۹.

[۱۱۰] نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۹۰.

امامصادق (علیه‌السلام) نیز در حدیثی **طلحه** و **زبیر** را مصادق این آیه و از پیشوایان کفر بر شمرده است؛

[۱۱۱] نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۸۸.

[۱۱۲] قرب‌الاسناد، ص ۹۶.

[۱۱۳] الصافی، ج ۲، ص ۳۲۴.

همچنین در روایتی دیگر امیر مؤمنان (علیه‌السلام) یاران خود و گروه باغی را مصادق آیه ۲۵۳ **بقره**

[۱۱۴] بقره/سوره ۲، آیه ۲۵۳.

دانسته که در آن جنگ میان امت‌های پیشین یاد شده و گروهی کافر و گروه دیگر مؤمن شمرده شده‌اند: «و لكن اختلفوا فيمنهم من آمن و منهم من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا».

[۱۱۵] بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۴۵۱.

[۱۱۶] المیزان، ج ۲، ص ۳۲۳.

[۱۱۷] الامالی، ص ۱۹۷.

قائلان به کفر اهل بغی در پاسخ این پرسش که چرا قرآن باغیان را مسلمان دانسته است: «و ان طائفتان من المؤمنين اقتتلوا...»

[۱۱۸] حجرات/سوره ۴۹، آیه ۹.

گفته‌اند: اطلاق نام مسلمان بر آنان مجازی و بر اثر ظاهر مسلمانی آنهاست، چنان‌که در آیه دیگر منافقان که تنها در ظاهر اسلام را پذیرفته بودند مسلمان نامیده شده‌اند یا این‌که این نامگذاری به سبب ایمان پیشین آنهاست یا از آن‌روست که آنان خود را **مسلمان** می‌شمارند.

[۱۱۹] المبسوط، ج ۷، ص ۲۶۴.

[۱۲۰] مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۶۳-۳۶۴.

[۱۲۱] جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۳.

در برابر آیه و روایت مذکور روایت دیگری از **اهلبیت** (علیهم‌السلام) نقل شده که از مسلمان بودن این گروه **حکایت** دارد؛

[۱۲۲] مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۶۶.

[۱۲۳] جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۳۸.

[۱۲۴] وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۸۳.

ولی برخی از فقیهان امامیه این روایت را بر **تقیه** حمل کرده‌اند؛

[۱۲۵] وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۸۳.

اما باغیانی که بر غیر امام معصوم خروج کنند کافر نمی‌شوند

[۱۲۶] بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۲۸-۳۲۹.

و برخی از فقیهان و مفسران امامیه تنها همین گروه را مصادق آیه ۹ حجرات

[۱۲۷] حجرات/سوره ۴۹، آیه ۹.

دانسته‌اند.

[۱۲۸] نمونه، ج ۲۲، ص ۱۶۹.

[۱۲۹] نمونه، ج ۲۲، ص ۱۷۲.

[۱۳۰] منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۱.

[۱۳۱] کنز‌العرفان، ج ۱، ص ۳۸۶.

در میان اهل سنت نیز درباره کافر یا مسلمان بودن باغیان دو رأی وجود دارد: گروهی از **اهل حدیث** از آنان بعضی از بغاة همچون **خوارج** را **مرتد** و کافر می‌دانند؛

[۱۳۲] حاشیه رد المحتار، ج ۴، ص ۴۲۲.

[۱۳۳] المغنی، ج ۱۰، ص ۴۹-۵۰.

[۱۳۴] الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۱۸.

همچنین بسیاری از فقیهان اهل سنت مانعان حق واجب از حقوق حکومت همچون **زکات** را جزو باغیان دانسته

[۱۳۵] التحریر و التتویر، ج ۲۶، ص ۲۴۰.

[۱۳۶] الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۱۸.

[۱۳۷] المغنی، ج ۱۰، ص ۴۹.

و در مواردی به **ارتداد** آنان حکم کرده‌اند؛

[۱۳۸] الخلاف، ج ۵، ص ۳۳۷.

[۱۳۹] الام، ج ۴، ص ۲۲۷.

لیکن بیشتر فقیهان اهل سنت با استناد به آیه ۹ حجرات

[۱۴۰] حجرات/سوره ۴۹، آیه ۹.

که گروه باغی را مؤمن شمرده و نیز برخی روایت، همه باغیان را **مسلمان** می‌دانند.

[۱۴۱] الام، ج ۴، ص ۲۲۷.

[۱۴۲] المغنی، ج ۱۰، ص ۴۹.

[۱۴۳] المنیر، ج ۲۶، ص ۲۴۱.

۲. دعوت باغیان به سازش و خودداری از بغی:

قبل از اقدام به جنگ بر حاکم اسلامی و مسلمانان واجب است بین دو گروه متنازع **صلح** برقرار کنند:

[۱۴۴] المبسوط، ج ۷، ص ۲۶۵.

[۱۴۵] احکام القرآن، ابن‌العربی، ج ۴، ص ۱۷۱۹.

[۱۴۶] مسالک‌الافهام، ج ۲، ص ۳۶۲.

«و إن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا». بدین منظور لازم است **شبهاتی** که موجب بغی آنان شده از ذهن آنان زدوده شود،

[۱۴۷] البحر الرائق، ج ۵، ص ۲۳۵.

[۱۴۸] مسالک الافهام، ج ۷، ص ۳۶۲.

چنانکه در **جنگ نهر وان** امیرمؤمنان **علی** (علیه السلام) پیش از آغاز نبرد، **عبدالله بن عباس** را برای مذاکره و دعوت آنان به صلح به سوی آنان گسیل داشت.

[۱۴۹] المبسوط، ج ۷، ص ۲۶۵.

[۱۵۰] مسالک الافهام، ج ۷، ص ۳۶۲.

[۱۵۱] احکام القرآن، ج ۳، ص ۵۹۸.

۳. جنگ با اهل بغی:

در صورتی که گروه باغی به مصالحه تن در ندهد بر مسلمانان و حکومت اسلامی لازم است با آنان وارد نبرد شوند: «فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ».

[۱۵۲] حجر/ت/سور ۴۹، آیه ۹.

در روایتی نیز علی (علیه السلام) در مورد **وجوب** جنگ با آنان به آیه ۱۲ توبه

[۱۵۳] توبه/سور ۹، آیه ۱۲.

استناد کرد

[۱۵۴] نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۸۹.

[۱۵۵] بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۷۱.

[۱۵۶] الصافی، ج ۲، ص ۳۲۴.

که در آن خداوند مؤمنان را به جنگ با عهد شکنان فرمان داده است: «و ان نَكُنُوا اٰیْمَنُهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا اِنَّهُمْ لَكٰفِرٌ اِنَّهُمْ لَا اٰیْمِنَ لَهُمْ». برخی آیه ۷۳ همین **سوره** را نیز که در آن پیامبر و مؤمنان به جنگ با کافران و منافقان مأمور گشته‌اند دلیل **وجوب** مقابله با باغیان دانسته‌اند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَانَ وَالْمُنَافِقِينَ وَعَظُّ عَلَيْهِمْ»، با این استدلال که منافق کسی است که در ظاهر ادعای اسلام دارد و در **باطن** کافر است و باغی نیز چنین است

[۱۵۷] فقه الصادق (علیه السلام)، ج ۱۳، ص ۱۷.

[۱۵۸] کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۸۷.

؛ همچنین برخی دیگر لزوم جنگ با باغیان را از عموم آیاتی که بر **وجوب جهاد** در **راه** خدا دلالت دارد از جمله ۴۱ و ۷۳ توبه

[۱۵۹] توبه/سور ۹، آیه ۴۱.

[۱۶۰] توبه/سور ۹، آیه ۷۳.

استفاده کرده‌اند.

[۱۶۱] فقه الصادق (علیه السلام)، ج ۱۳، ص ۱۱۰.

[۱۶۲] فقه الصادق (علیه السلام)، ج ۱۳، ص ۱۷.

در **روایات** اهل بیت (علیهم السلام) نیز **جنگ** با خروج کنندگان بر امام عادل واجب شمرده شده است.

[۱۶۳] وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۸۰-۸۱.

[۱۶۴] تهذیب، ج ۶، ص ۱۴۴-۱۴۵.

[۱۶۵] تنکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۳۹۱.

البته این **وجوب** در منابع فقهی **شرایطی** خاص دارد.

[۱۶۶] المبسوط، ج ۷، ص ۲۶۴-۲۶۵.

۴. ضمان باغیان نسبت به جان و مال:

قرآن در آیه ۹ حجرات

[۱۶۷] حجر/ت/سور ۴۹، آیه ۹.

پس از فرمان دادن مؤمنان به جنگ با باغیان به آنان دستور می‌دهد که اگر اهل بغی از بغی دست برداشتند صلح را میان آنان به عدالت و قسط برقرار سازند: «فَإِنْ فَاَعَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». بیشتر فقیهان اهل سنت با استناد به این آیه بر ضامن نبودن باغیان نسبت به اموال و جانهای تلف شده در جنگ به وسیله باغیان **فتوا** داده‌اند و آن را مقتضای عدالت دانسته‌اند، زیرا ضامن دانستن آنان موجب خودداری آنان از **صلح** و تشدید بغی می‌شود؛

[۱۶۸] تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۲۰.

[۱۶۹] الفقه الاسلامی، ج ۷، ص ۵۴۸۱.

[۱۷۰] احکام القرآن، ابن عربی، ج ۴، ص ۱۷۲۰.

ولی فقه‌های امامیه

[۱۷۱] مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۶۳.

[۱۷۲] جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۴۷.

[۱۷۳] شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۷.

و برخی از فقیهان اهل سنت

[۱۷۴] الفقه الاسلامی، ج ۷، ص ۵۴۸۱.

[۱۷۵] تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

باغیان را ضامن اموال و جانهای تلف شده دانسته و آن را مقتضای **عدالت** شمرده‌اند.

[۱۷۶] مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۶۳.

[۱۷۷] جهاد در اسلام، ص ۱۴۲.

[۱۷۸] شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۷.

برخی برای ضامن به آیه ۴۰ **شوری**

[۱۷۹] شوری/سور ۴۲، آیه ۴۰.

که جزای بدی را بدی دانسته است: «وَجَزَا سَيِّئَةً سَيِّئَةً مِثْلَهَا». استناد کرده

[۱۸۰] جهاد در اسلام، ص ۱۴۱.

[۱۸۱] تنکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۴۱۸.

و شماری دیگر به آیه ۳۳ **اسراء**

[۱۸۲] اسراء/سور ۱۷، آیه ۳۳.

استناد کرده‌اند

[۱۸۳] مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۶۳.

- [۱۸۴] تذكرة الفقهاء، ج ۹، ص ۱۴۰.
 که برای ولی مقتول حق قصاص قرار داده است: «و من قُتِلَ مَظْلُومًا فَدَّ جَعَلْنَا لَوَلِيِّهِ سُلْطٰنًا». مستند برخی فقها بر وجوب **ضمن**، عموم آیات **قصاص** است:
 [۱۸۵] **الخلاف**، ج ۵، ص ۳۳۶-۳۳۷.
 [۱۸۶] **تذكرة الفقهاء**، ج ۹، ص ۴۱۸-۴۱۹.
 «وكتبنا عليهم فيها أن النفس بالنفس».
 [۱۸۷] **مائدة/سوره ۵**، آیه ۴۵.
 [۱۸۸] **بقره/سوره ۲**، آیه ۱۷۸-۱۷۹.
 البته اگر مال یا جانی از باغیان تلف شود لشکر **اسلام ضامن** نخواهند بود، زیرا جنگ آنان با باغیان بر پایه حق و **عدالت** و بغرمان **الهی** بوده است.
 [۱۸۹] **جواهر الکلام**، ج ۲، ص ۳۴۱.
 [۱۹۰] **الفقه الاسلامی**، ج ۷، ص ۵۴۸۱.
 [۱۹۱] **نمونه**، ج ۲۲، ص ۱۷۰.

۵. تعقیب باغیان فراری:

در باره لزوم یا عدم لزوم تعقیب فراریان شکست خورده از اهل بغی، فقها آرای متعددی دارند؛ از ظاهر آیه ۹ **حجرات**

[۱۹۲] **حجرات/سوره ۹**، آیه ۹.

استفاده می شود که تا زمانی که باغیان از بغی دست نکشیده اند، جنگین با آنان واجب است؛ چه در حال مقابله با حکومت اسلامی باشند و چه در حال فرار؛ ولی در برخی **احادیث منقول** از **اهل بیت** (علیهم السلام) این **حکم** منحصر به فراریانی شده که دارای فرمانده و تشکیلات منسجم باشند تا پس از فرار نتوانند دوباره سازماندهی شوند.

[۱۹۳] **الکافی**، ج ۵، ص ۳۲-۳۳.

[۱۹۴] **تہذیب**، ج ۶، ص ۱۴۳-۱۴۴.

[۱۹۵] **وسائل الشیعه**، ج ۱۵، ص ۷۳-۷۴.

نظر فقهای امامیه

[۱۹۶] **الخلاف**، ج ۵، ص ۳۳۹-۳۴۰.

[۱۹۷] **تذكرة الفقهاء**، ج ۹، ص ۴۲۲.

[۱۹۸] **تحریر الاحکام**، ج ۲، ص ۲۳۳.

و نیز برخی از فقهای **اهل سنت**

[۱۹۹] **الخلاف**، ج ۵، ص ۳۳۹.

[۲۰۰] **المغنی**، ج ۱۰، ص ۶۳.

[۲۰۱] **الفقه علی المذاهب الاربعه**، ج ۵، ص ۴۲۰.

همین است؛ اما شماری دیگر از فقهای اهل سنت تعقیب کردن فراریان و کشتن آنان را مطلقاً جایز ندانسته اند.

[۲۰۲] **المغنی**، ج ۱۰، ص ۶۳.

[۲۰۳] **احکام القرآن**، ابن العربی، ج ۴، ص ۱۷۲۲.

[۲۰۴] **الفقه علی المذاهب الاربعه**، ج ۵، ص ۴۲۱.

۶. ممنوعیت محرمات بر باغیان در حال اضطرار:

برخی از محرمات مانند **مردار**، **خون** و **گوشته خوک** که استفاده از آن در حال اضطرار برای مسلمانان **مباح** دانسته شده بر باغیان حلال نگردیده است: «أَمَّا حَرَمٌ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

[۲۰۵] **بقره/سوره ۲**، آیه ۱۷۳.

[۲۰۶] **انعام/سوره ۶**، آیه ۱۴۵.

[۲۰۷] **نحل/سوره ۱۶**، آیه ۱۱۵.

یکی از معانی باغی بنابر **احادیث اهل بیت** (علیهم السلام) و **رای** برخی مفسران متقدم مانند **مجاهد** و **سعید بن جبیر** افرادی هستند که در برابر امام و حاکم اسلامی **طغیان** کنند

[۲۰۸] **نور الثقلین**، ج ۱، ص ۱۵۵.

[۲۰۹] **مجمع البیان**، ج ۲، ص ۴۶۷.

[۲۱۰] **جامع البیان**، ج ۲، ص ۱۱۹.

که در صورت **اضطرار** بر اسلح این آیه حق استفاده از این **محرمات** را ندارند. گاه این اشکال مطرح شده که بازداشتن باغیان از تناول محرمات در حال **اضطرار**، موجب واقع شدن **نفس** در معرض تلف است که در **اسلام** حرام به شمار می رود.

[۲۱۱] **فقه القرآن**، ج ۱، ص ۳۶۴.

[۲۱۲] **مجمع البیان**، ج ۲، ص ۴۶۷.

در پاسخ گفته اند که چنین افرادی با خروج بر حاکم مشروع جان خود را در معرض تلف شدن قرار داده اند و از این رو حق ندارند که برای حفظ آن خوردنیهایی را که **خدا** حرام کرده **مباح** شمارند.

[۲۱۳] **مجمع البیان**، ج ۲، ص ۴۶۷.

البته مفسران برای باغی معانی دیگری از جمله راهزن، کسی که برای تفریح و سرگرمی به **شکار** می رود، لذتجو، طالب **جرام**، روا داننده خوردن **مردار** نیز نقل کرده اند.

[۲۱۴] **مجمع البیان**، ج ۲، ص ۴۶۷.

[۲۱۵] **تفسیر قرطبی**، ج ۲، ص ۱۵۶.

[۲۱۶] **جامع البیان**، ج ۲، ص ۱۱۸-۱۲۰.

(=>اضطرار).

فهرست مندرجات

۱- فهرست منابع

۲- پانویس

۳- منبع

۱- فهرست منابع

احكام القرآن، ابن العربي؛ احكام القرآن، جصاص؛ الأم؛ الاملى، طوسى؛ بحار الانوار؛ البحر الرائق شرح كنز الدقائق؛ البداية والنهاية؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تحرير الاحكام الشرعية على مذهب الامامية؛ التحقيق فى كلمات القرآن الكريم؛ تنكرة الفقهاء؛ التشريع الجنائى الاسلامى؛ تفسير التحرير والتنوير؛ تفسير الصافى؛ تفسير المنير فى العقيدة والشريعة والمنهج؛ تفسير نمونه؛ تفسير نور الثقلين؛ تهذيب الاحكام؛ جامع احاديث الشيعة فى احكام الشريعة؛ جامع البيان عن تأويل آى القرآن؛ الجامع لاحكام القرآن، قرطبى؛ جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام؛ جهاد در اسلام؛ حاشية رد المحتار على الدر المختار؛ الحاوى الكبير؛ الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة؛ دراست فى ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلاميه؛ دعائم الاسلام؛ الروضة البهية فى شرح اللمعة المشقيه؛ روض الجنان و روح الجنان؛ رياض المسائل فى تحقيق الاحكام بالدلائل؛ السنن الكبرى؛ شرايع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام؛ صحيح البخارى؛ فتح الوهب؛ الفقه؛ الفقه الاسلامى و ادلته؛ فقه سياسى اسلام؛ فقه الصادق (عليه السلام)؛ الفقه على المذاهب الاربعه؛ فقه القرآن، راوندى؛ قرب الاسناد؛ الكافى؛ كتاب الخلاف؛ كشف الاسرار و عدة الابرار؛ كنز العرفان فى فقه القرآن؛ لسان العرب؛ المبسوط؛ مجمع البحرين؛ مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ مجمع الفائدة والبرهان؛ مسالك الافهام الى آيات الاحكام؛ مستدرک الوسائل؛ مسند احمد بن حنبل؛ مصطلحات الفقه و معظم عناوينه الموضوعيه؛ المصنف؛ معجم مقاييس اللغة؛ المغنى والشرح الكبير؛ مفردات الفاظ القرآن؛ منهاج الصالحين؛ الميزان فى تفسير القرآن؛ نهج البلاغه؛ وسائل الشيعه.

٢ - بتاويس

١. [↑ مجمع البحرين، ج ١، ص ٢٢٧، «بغى».](#)
٢. [↑ لسان العرب، ج ١، ص ٧٤.](#)
٣. [↑ لسان العرب، ج ١، ص ٧٩.](#)
٤. [↑ تاج العروس، ج ١٠، ص ٣٨.](#)
٥. [↑ تاج العروس، ج ١٠، ص ٤٠، «بغى».](#)
٦. [↑ مجمع البحرين، ج ١، ص ٢٢٥.](#)
٧. [↑ مقاييس اللغة، ج ١، ص ٢٧١-٢٧٢، «بغى».](#)
٨. [↑ التحقيق، ج ١، ص ٣١١، «بغى».](#)
٩. [↑ التحقيق، ج ١، ص ٣٠٩.](#)
١٠. [↑ يونس/سور ١٠٥، آيه ٢٣.](#)
١١. [↑ شورى/سور ٤٢، آيه ٤٢.](#)
١٢. [↑ مفردات، ص ٥٥، «بغى».](#)
١٣. [↑ تاج العروس، ج ١٠، ص ٣٩، «بغى».](#)
١٤. [↑ الفقه الاسلامى، ج ٧، ص ٥٤٧٨-٥٤٧٩.](#)
١٥. [↑ الفقه على المذاهب الاربعه، ج ٥، ص ٤١٨.](#)
١٦. [↑ التشريع الجنائى الاسلامى، ج ٢، ص ٤٧٣.](#)
١٧. [↑ مجمع الفائدة، ج ٧، ص ٥٢٤.](#)
١٨. [↑ مصطلحت الفقه، ص ١٠١.](#)
١٩. [↑ الروضة البهيه، ج ٢، ص ٦٥.](#)
٢٠. [↑ ولاية الفقيه، ج ٣، ص ٢٨٠-٢٨١.](#)
٢١. [↑ مصطلحت الفقه، ص ١٠١.](#)
٢٢. [↑ ولاية الفقيه، ج ٣، ص ٢٨٠-٢٨١.](#)
٢٣. [↑ الفقه، ج ٤٨، ص ١٣١.](#)
٢٤. [↑ جهاد در اسلام، ص ١١٦-١١٧.](#)
٢٥. [↑ مصطلحت الفقه، ص ١٠١-١٠٢.](#)
٢٦. [↑ جواهر الكلام، ج ٢١، ص ٣٢٢-٣٢٣.](#)
٢٧. [↑ تنكرة الفقهاء، ج ١، ص ٤٥٢.](#)
٢٨. [↑ تنكرة الفقهاء، ج ٩، ص ٣٩١.](#)
٢٩. [↑ فتح الوهب، ج ٢، ص ٢٦٥.](#)
٣٠. [↑ الخلاف، ج ٥، ص ٤٥٧.](#)
٣١. [↑ مصطلحت الفقه، ص ٤٧٥.](#)
٣٢. [↑ الروضة البهيه، ج ٩، ص ٢٩٠.](#)
٣٣. [↑ فقه سياسى اسلام، ص ٢٠٩-٢١٠.](#)
٣٤. [↑ الفقه الاسلامى، ج ٧، ص ٥٤٧٩.](#)
٣٥. [↑ الفقه الاسلامى، ج ٧، ص ٥٤٧٩.](#)
٣٦. [↑ كنز العرفان، ج ١، ص ٥٦٠.](#)
٣٧. [↑ رياض المسائل، ج ٧، ص ٤٥٨.](#)
٣٨. [↑ حجر ات/سور ٤٩، آيه ٩.](#)
٣٩. [↑ بقره/سور ٢، آيه ١٧٣.](#)
٤٠. [↑ انعام/سور ٦، آيه ١٤٥.](#)
٤١. [↑ نحل/سور ١٦، آيه ١١٥.](#)
٤٢. [↑ مجمع البيان، ج ٢، ص ٤٧٦.](#)
٤٣. [↑ نور الثقلين، ج ١، ص ١٥٥.](#)
٤٤. [↑ مسند احمد، ج ٢، ص ٢٠٦.](#)

٤٤. [صحيح البخاري، ج٣، ص٢٠٧.](#)
٤٧. [نهج البلاغه، خطبه ٩٧.](#)
٤٨. [نهج البلاغه، خطبه ١٩٢.](#)
٤٩. [حجرات/سور ٤٩، آيه ٩.](#)
٥٠. [جامع البيان، مج ١٣، ج ٢٦، ص ١٦٥-١٦٦.](#)
٥١. [كشف الاسرار، ج ٩، ص ٢٥١.](#)
٥٢. [مجمع البيان، ج ٣، ص ٧٣.](#)
٥٣. [احكام القرآن، ابن العربي، ج ٣، ص ٥٧٠.](#)
٥٤. [تفسير قرطبي، ج ١٦، ص ٣١٦.](#)
٥٥. [جامع البيان، مج ١٣، ج ٢٦، ص ١٦٦.](#)
٥٦. [مجمع البيان، ج ٩، ص ٢٢٠.](#)
٥٧. [جامع البيان، مج ١٣، ج ٢٦، ص ١٦٧.](#)
٥٨. [مسالك الافهام، ج ٢، ص ٣٦٢.](#)
٥٩. [جواهر الكلام، ج ٢١، ص ٣٢٣.](#)
٦٠. [روض الجنن، ج ١٨، ص ٢٤.](#)
٦١. [تفسير قرطبي، ج ١٦، ص ٣١٧.](#)
٦٢. [الفقه على المذاهب الاربعه، ج ٥، ص ٤١٧.](#)
٦٣. [الفقه الاسلامي، ج ٧، ص ٥٤٨٠.](#)
٦٤. [احكام القرآن، ابن العربي، ج ٤، ص ١٧١٨.](#)
٦٥. [الكافي، ج ٥، ص ١١-١٢.](#)
٦٦. [تهذيب، ج ٤، ص ١١٦.](#)
٦٧. [نور الثقلين، ج ٥، ص ٨٤.](#)
٦٨. [نور الثقلين، ج ٥، ص ٨٥.](#)
٦٩. [مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٦٧.](#)
٧٠. [الكافي، ج ٨، ص ١٨٠.](#)
٧١. [فقه القرآن، ج ١، ص ٣٦٣.](#)
٧٢. [نمونه، ج ٢٢، ص ١٦٩.](#)
٧٣. [نمونه، ج ٢٢، ص ١٧٢.](#)
٧٤. [كنز العرفان، ج ١، ص ٣٨٦.](#)
٧٥. [توبه/سور ٩٥، آيه ٤١.](#)
٧٦. [توبه/سور ٩٥، آيه ٧٤.](#)
٧٧. [حجرات/سور ٤٩، آيه ٩.](#)
٧٨. [رياض المسائل، ج ٧، ص ٤٥٦.](#)
٧٩. [الام، ج ٤، ص ٢٢٦.](#)
٨٠. [جواهر الكلام، ج ٢١، ص ٣٢٣.](#)
٨١. [جواهر الكلام، ج ٢١، ص ٣٢٥.](#)
٨٢. [الكافي، ج ٥، ص ١١-١٢.](#)
٨٣. [تهذيب، ج ٤، ص ١١٦.](#)
٨٤. [نور الثقلين، ج ٥، ص ٨٥-٨٦.](#)
٨٥. [السنن الكبرى، ج ٨، ص ١٦٩.](#)
٨٦. [بحار الانوار، ج ٢٩، ص ٤٢٩.](#)
٨٧. [مسند احمد، ج ٤، ص ٣٤٨.](#)
٨٨. [وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ٧٣-٨٣.](#)
٨٩. [جامع احاديث الشيعه، ج ١٦، ص ١٣٠.](#)
٩٠. [جامع احاديث الشيعه، ج ١٦، ص ١٦٠.](#)
٩١. [دعائم الاسلام، ج ١، ص ٣٨٨.](#)
٩٢. [البدایة والنهایه، ج ٧، ص ٣٣٨ - ٣٣٩.](#)
٩٣. [كنز العرفان، ج ١، ص ٥٦١.](#)
٩٤. [رياض المسائل، ج ٧، ص ٤٥٨.](#)
٩٥. [كنز العرفان، ج ١، ص ٣٨٦.](#)
٩٦. [بحار الانوار، ج ٣٢، ص ٣٢٤-٣٢٥.](#)
٩٧. [منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٦١.](#)
٩٨. [مجمع الفائده، ج ٧، ص ٥٢٤.](#)
٩٩. [الحدائق، ج ٣، ص ٤٢١.](#)
١٠٠. [المبسوط، ج ٧، ص ٢٦٤.](#)
١٠١. [مانده/سور ٥٥، آيه ٥٤.](#)

- ١٠٤: ١. [↑ كنز العرفان، ج ١، ص ٣٢٩.](#)
١٠٤. [↑ بحار الانوار، ج ٣٦، ص ٣٢.](#)
١٠٥. [↑ مجمع البيان، ج ٣، ص ٣٥٨.](#)
١٠٦. [↑ مجمع البيان، ج ٥، ص ٢٢.](#)
١٠٧. [↑ توبه/سور ٩، آيه ١٢.](#)
١٠٨. [↑ الصافي، ج ٢، ص ٣٢٤-٣٢٥.](#)
١٠٩. [↑ بحار الانوار، ج ٢٩، ص ٤٢٩.](#)
١١٠. [↑ نور الثقلين، ج ٢، ص ١٩٠.](#)
١١١. [↑ نور الثقلين، ج ٢، ص ١٨٨.](#)
١١٢. [↑ قرب الاسناد، ص ٩٦.](#)
١١٣. [↑ الصافي، ج ٢، ص ٣٢٤.](#)
١١٤. [↑ بقره/سور ٢، آيه ٢٥٣.](#)
١١٥. [↑ بحار الانوار، ج ٢٩، ص ٤٥١.](#)
١١٦. [↑ الميزان، ج ٢، ص ٣٢٣.](#)
١١٧. [↑ الامالي، ص ١٩٧.](#)
١١٨. [↑ حجرات/سور ٤٩، آيه ٩.](#)
١١٩. [↑ المبسوط، ج ٧، ص ٢٦٤.](#)
١٢٠. [↑ مسالك الافهام، ج ٢، ص ٣٤٣-٣٤٤.](#)
١٢١. [↑ جواهر الكلام، ج ٢١، ص ٣٢٣.](#)
١٢٢. [↑ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٤٦.](#)
١٢٣. [↑ جواهر الكلام، ج ٢١، ص ٣٣٨.](#)
١٢٤. [↑ وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ٨٣.](#)
١٢٥. [↑ وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ٨٣.](#)
١٢٦. [↑ بحار الانوار، ج ٣٢، ص ٣٢٨-٣٢٩.](#)
١٢٧. [↑ حجرات/سور ٤٩، آيه ٩.](#)
١٢٨. [↑ نمونه، ج ٢٢، ص ١٦٩.](#)
١٢٩. [↑ نمونه، ج ٢٢، ص ١٧٢.](#)
١٣٠. [↑ منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٦١.](#)
١٣١. [↑ كنز العرفان، ج ١، ص ٣٨٦.](#)
١٣٢. [↑ حاشية رد المحتار، ج ٤، ص ٤٢٢.](#)
١٣٣. [↑ المغني، ج ١٠، ص ٤٩-٥٠.](#)
١٣٤. [↑ الفقه على المذاهب الاربعه، ج ٥، ص ٤١٨.](#)
١٣٥. [↑ التحرير والتنوير، ج ٢٦، ص ٢٤٠.](#)
١٣٦. [↑ الفقه على المذاهب الاربعه، ج ٥، ص ٤١٨.](#)
١٣٧. [↑ المغني، ج ١٠، ص ٤٩.](#)
١٣٨. [↑ الخلاف، ج ٥، ص ٣٣٧.](#)
١٣٩. [↑ الام، ج ٤، ص ٢٢٧.](#)
١٤٠. [↑ حجرات/سور ٤٩، آيه ٩.](#)
١٤١. [↑ الام، ج ٤، ص ٢٢٧.](#)
١٤٢. [↑ المغني، ج ١٠، ص ٤٩.](#)
١٤٣. [↑ المنير، ج ٢٦، ص ٢٤١.](#)
١٤٤. [↑ المبسوط، ج ٧، ص ٢٦٥.](#)
١٤٥. [↑ احكام القرآن، ابن العربي، ج ٤، ص ١٧١٩.](#)
١٤٦. [↑ مسالك الافهام، ج ٢، ص ٣٦٢.](#)
١٤٧. [↑ البحر الرائق، ج ٥، ص ٢٣٥.](#)
١٤٨. [↑ مسالك الافهام، ج ٢، ص ٣٦٢.](#)
١٤٩. [↑ المبسوط، ج ٧، ص ٢٦٥.](#)
١٥٠. [↑ مسالك الافهام، ج ٢، ص ٣٦٢.](#)
١٥١. [↑ احكام القرآن، جصاص، ج ٣، ص ٥٩٨.](#)
١٥٢. [↑ حجرات/سور ٤٩، آيه ٩.](#)
١٥٣. [↑ توبه/سور ٩، آيه ١٢.](#)
١٥٤. [↑ نور الثقلين، ج ٢، ص ١٨٩.](#)
١٥٥. [↑ بحار الانوار، ج ٢١، ص ٢٧١.](#)
١٥٦. [↑ الصافي، ج ٢، ص ٣٢٤.](#)
١٥٧. [↑ فقه الصالحين \(عليه السلام\)، ج ١٣، ص ١٧.](#)
١٥٨. [↑ كنز العرفان، ج ١، ص ٣٨٧.](#)
١٥٩. [↑ توبه/سور ٩، آيه ٤١.](#)

١٦٠. ↑ [توبه/سور ٩، آية ٧٣](#)
١٦١. ↑ [فقه الصادق \(عليه السلام\)، ج ١٣، ص ١١٠](#)
١٦٢. ↑ [فقه الصادق \(عليه السلام\)، ج ١٣، ص ١٧](#)
١٦٣. ↑ [وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ٨٠-٨١](#)
١٦٤. ↑ [تهذيب، ج ٦، ص ١٤٤-١٤٥](#)
١٦٥. ↑ [تنكرة الفقهاء، ج ٩، ص ٣٩١](#)
١٦٦. ↑ [المبسوط، ج ٧، ص ٢٤٤-٢٤٥](#)
١٦٧. ↑ [حجرات/سور ٤٩، آية ٩](#)
١٦٨. ↑ [تفسير قرطبي، ج ١٦، ص ٣٢٠](#)
١٦٩. ↑ [الفقه الاسلامي، ج ٧، ص ٥٤٨١](#)
١٧٠. ↑ [احكام القرآن، ابن العربي، ج ٤، ص ١٧٢٠](#)
١٧١. ↑ [مسالك الافهام، ج ٢، ص ٣٤٣](#)
١٧٢. ↑ [جواهر الكلام، ج ٢١، ص ٣٤٧](#)
١٧٣. ↑ [شرايع الاسلام، ج ١، ص ٢٥٧](#)
١٧٤. ↑ [الفقه الاسلامي، ج ٧، ص ٥٤٨١](#)
١٧٥. ↑ [تفسير قرطبي، ج ١٦، ص ٢١٠](#)
١٧٦. ↑ [مسالك الافهام، ج ٢، ص ٣٤٣](#)
١٧٧. ↑ [جهاد در اسلام، ص ١٤٢](#)
١٧٨. ↑ [شرايع الاسلام، ج ١، ص ٢٥٧](#)
١٧٩. ↑ [شورى/سور ٤٢، آية ٤](#)
١٨٠. ↑ [جهاد در اسلام، ص ١٤١](#)
١٨١. ↑ [تنكرة الفقهاء، ج ٩، ص ٤١٨](#)
١٨٢. ↑ [اسراء/سور ١٧، آية ٣٣](#)
١٨٣. ↑ [مسالك الافهام، ج ٢، ص ٣٤٣](#)
١٨٤. ↑ [تنكرة الفقهاء، ج ٩، ص ١٤٠](#)
١٨٥. ↑ [الخلاف، ج ٥، ص ٣٣٦-٣٣٧](#)
١٨٦. ↑ [تنكرة الفقهاء، ج ٩، ص ٤١٨-٤١٩](#)
١٨٧. ↑ [مانده/سور ٥٥، آية ٤](#)
١٨٨. ↑ [بقره/سور ٢، آية ١٧٨-١٧٩](#)
١٨٩. ↑ [جواهر الكلام، ج ٢١، ص ٣٤١](#)
١٩٠. ↑ [الفقه الاسلامي، ج ٧، ص ٥٤٨١](#)
١٩١. ↑ [نمونہ، ج ٢٢، ص ١٧٠](#)
١٩٢. ↑ [حجرات/سور ٤٩، آية ٩](#)
١٩٣. ↑ [الكافي، ج ٥، ص ٣٢-٣٣](#)
١٩٤. ↑ [تهذيب، ج ٦، ص ١٤٣-١٤٤](#)
١٩٥. ↑ [وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ٧٣-٧٤](#)
١٩٦. ↑ [الخلاف، ج ٥، ص ٣٣٩-٣٤٠](#)
١٩٧. ↑ [تنكرة الفقهاء، ج ٩، ص ٤٢٢](#)
١٩٨. ↑ [تحرير الاحكام، ج ٢، ص ٢٣٣](#)
١٩٩. ↑ [الخلاف، ج ٥، ص ٣٣٩](#)
٢٠٠. ↑ [المغنى، ج ١٠، ص ٦٣](#)
٢٠١. ↑ [الفقه على المذاهب الاربعه، ج ٥، ص ٤٢٠](#)
٢٠٢. ↑ [المغنى، ج ١٠، ص ٦٣](#)
٢٠٣. ↑ [احكام القرآن، ابن العربي، ج ٤، ص ١٧٢٢](#)
٢٠٤. ↑ [الفقه على المذاهب الاربعه، ج ٥، ص ٤٢١](#)
٢٠٥. ↑ [بقره/سور ٢، آية ١٧٣](#)
٢٠٦. ↑ [انعام/سور ٦، آية ١٤٥](#)
٢٠٧. ↑ [نحل/سور ١٦، آية ١١٥](#)
٢٠٨. ↑ [نور الثقلين، ج ١، ص ١٥٥](#)
٢٠٩. ↑ [مجمع البيان، ج ٢، ص ٤٦٧](#)
٢١٠. ↑ [جامع البيان، مج ٢، ج ٢، ص ١١٩](#)
٢١١. ↑ [فقه القرآن، ج ١، ص ٣٤٤](#)
٢١٢. ↑ [مجمع البيان، ج ٢، ص ٤٦٧](#)
٢١٣. ↑ [مجمع البيان، ج ٢، ص ٤٦٧](#)
٢١٤. ↑ [مجمع البيان، ج ٢، ص ٤٦٧](#)
٢١٥. ↑ [تفسير قرطبي، ج ٢، ص ١٥٦](#)
٢١٦. ↑ [جامع البيان، مج ٢، ج ٢، ص ١١٨-١٢٠](#)

[دائرالمعارف قرآن کریم برگرفته از مقاله بخی.](#)